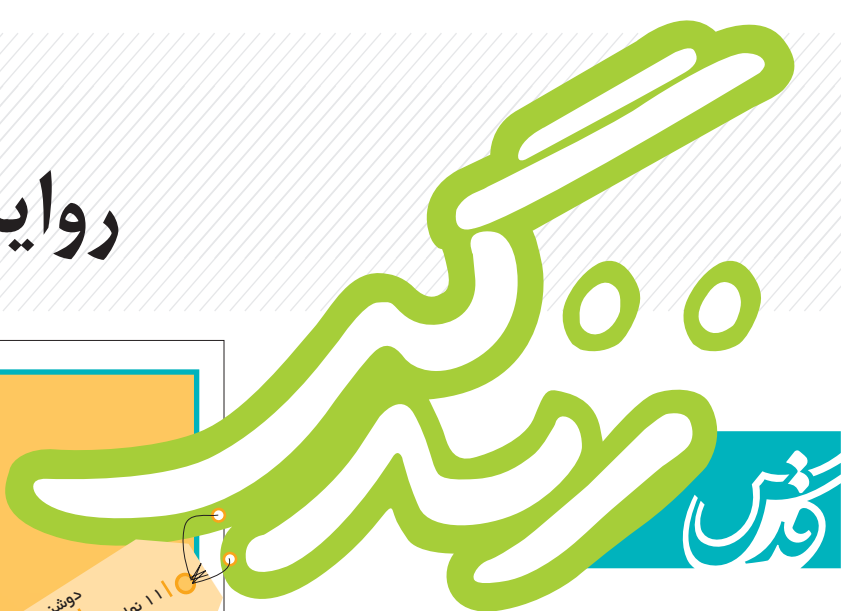




گش

باور می‌کنید؟

باز هم بستنی‌های طلایی



به سـرو خوراکی‌های مختلف با روکش طلا کردند. همان موقع با بالا گرفتن اعتراض‌های مردمی، بساط طلاهای خوراکی از رستوران‌های کشور جمع شد، اما حالا پس از گذشت چندین سال، پای طلاهای خوراکی یکبار دیگر به رستوران‌های کشور باز شده است.

این‌بار ماجرا از انتشار خبر فروش بستنی و کیک با روکش طلا در مشهد آغاز شد. هرچند بعضی از رسانه‌ها بعداً فروش بستنی طلا در مشهد را تکذیب کردند اما همین موج کافی بود تا ماجرای طلای خوراکی یکبار دیگر سوزده داغ فضای مجازی و رسانه‌ها شود. آن‌طور که رسانه‌ها می‌گویند، ماجرای لاکچری‌بازی این‌بار بیشتر از همیشه اوج گرفته و شما هر زمان اراده کنید، می‌توانید در رستوران‌های لاکچری شهرتان غذا، بستنی و کیک با روکش طلا سفارش دهید یا اصلاً خودتان روکش طلا بخرید و برای مهمان‌هایتان در خانه سرو کنید! کار حتی به جایی رسیده که چندین فروشگاه اینترنتی علاوه بر ورق‌های طلا، ورق مس و نقره هم به مشتریاناش می‌فروشند. البته نصرالله شیرافکن، واردکننده مواد اولیه خوراکی در این‌باره به باشگاه خبرنگاران گفته: «هر ورق از این روکش‌های طلا به قیمت ۱۳۷ دلار در خارج از ایران به‌ویژه سوئیس به فروش می‌رسد و خرید یک بسته ده تایی آن نیازمند یک هزار و ۴۰۰ دلار سرمایه است.» از آن‌طرف ورق خوراکی طلا هم در هیچ کجای ایران تولید نمی‌شود. این یعنی در ایران هر ورق طلا باید چیزی در حدود ۱۷ میلیون قیمت داشته باشد اما مغازه‌های ایرانی، این بسته‌های دتایی را کمتر از یک میلیون تومان می‌فروشند! کارشناسان هم گفته‌اند معلوم نیست در این ورق‌های به اصطلاح طلا، از چه چیزی استفاده می‌شود.

هرچند چندین رستوران و کافی‌شاپ در شمال کشور بابت استفاده از طلای خوراکی پلمب شده‌اند اما هنوز تعداد زیادی از رستوران‌ها و فروشگاه‌های اینترنتی همچنان این طلاهای خوراکی را عرضه می‌کنند که حتی اگر از مشکلات بهداشتی آن بگذریم، باز هیچ‌جوره با اوضاع اقتصادی فعلی کشور و حتی فرهنگ ما ایرانی‌ها جور در نمی‌آید.

روزمره نگاری

گذر پوست به دباغ‌خانه افتاد

رقیه توسلی: مگر تماشای جعبه خرما گریه دارد؟ دیدن کتاب «قیه مافی» روی میز؟ آمدن پاییز؟ بازی پرسپولیس؟ مگر شال گردن خاکستری که عطر «پگاسوس» بدهد و قلّ قلّ قایلمه قرمّه گریه دارد؟ امروز فهمیدم جواب بعضی از سؤالات، بغض خالص است فقط. ماشین را می‌بریم تعمیرگاه، مکانیک دارد با مرد کت و شلوار ی چک و چانه می‌گذرد، قیضی‌ای فراثز قصه سر فاکتور است. بیشتر که می‌گذرد می‌فهمیم خیر، قیضی‌ای فراثز از مکانیکی و سرویس است. گذر پوست انگار به دباغ‌خانه افتاده. صاحب اتومبیل از قرار معلوم کارمند بانک است. از آن دسته که خوب تا نمی‌کنند با ارباب رجوع. کار راه بنداز نبوده و آدم پشت باجه را سر می‌دوانند و به بهانه صبحانه و تلفن‌بازی و قطعی اینترنت و هزار و یک دلیل من درآوردی، مشتری‌مداری را می‌گذارند زیر پا. از آن دسته که خدمتگزار نیستند. که از قضا گذر جناب تعمیرکار خورده به پست همین آقا. حالا هم که وقت تسویه و تلافی نیست. آقای مکانیک پایش را کرده توی یک کفش که ماشین را از اینجا ببرد، و تعمیرش نمی‌کند! یک ریغ، مچل و منظر می‌شویم تا اینکه غائله ختم به قول‌های مردانه می‌شود و گویا کارمند، قول می‌دهد که پس از این کاردان‌تر نباشد، آدم حسابتی‌تر، درست‌کارتر. باد، برگ‌های پاییز را می‌سرانند روی کفش‌هایم. یک قلپ از جایی که شاید مکانیک ریخته را می‌نوشم و آنسک می‌ریزم... جل الخالق! مگر جای دارچین گریه دارد؟ تماشای پژو؟ اصلاً مگر زل زن به ردیف صندلی‌ها و روغن موتور‌ها گریه دارد؟

حرف حساب: آقایان یادت هست همیشه می‌گفتی جادوگرتر از صندلی، صندلی است... اگر که ناپییم، کله یا می‌کنند. اسب می‌شود. اینکه صندلی‌سوار باید کاربلد باشد. درست می‌گفتی. امروز یک صندلی‌سوار کت و شلوار داشت یاد می‌گرفت صندلی، اسب است. هم سواری می‌دهد، هم می‌چرخاند، هم اگر حواست نباشد اهل جفت‌برانی است و نقش بر زمین می‌کند.

چه خبر؟

وقتش رسیده



جدی‌تر به ماجرا نگاه کنید. دلیل این حرفمان هشدار سازمان بهداشت در فرانسه است که چند روز پیش اعلام شد. «فارس» در این باره نوشته است: «یک سازمان بهداشت، درمان و ایمنی دولتی در فرانسه به مردم هشدار داد که گوشی تلفن همراه را در جیب پیراهن یا شلوار خود حمل نکنند... دولت فرانسه در پی آن است تا از کمسیون اروپایی بخواهد تمهیداتی را برای تولیدکنندگان تلفن‌های همراه الزامی کند که بر اساس آن شرکت‌ها ملزم باشند مشخص کنند وقتی تلفن در مجاورت بدن قرار می‌گیرد، چه اندازه انرژی و امواج از آن جذب بدن می‌شود. آژانس ملی فرانس هم بر اساس نظر دولت باید از آراهایی تا برای افزایش آگاهی کاربران تهیه کند، از جمله اپلیکیشن موبایل «این بارز» تا آخر سال جاری تکمیل شود. این اپلیکیشن به هر کاربر اجازه خواهد داد تا میزان تشعشعات مدل گوشی خود مطلع شود. دولت همچنین به کاربران گوشی‌های مختلف نیز پیشنهاد کرده تا حد امکان از هندزفری استفاده کنند تا گوشی به سرو صورت نزدیک نباشد تا جایی که می‌توانند به جای تماس صوتی، از پیامک استفاده کنند». خلاصه این بار ماجرای تشعشعات گوشی تلفن همراه جدی است... گفته باشیم!

گفت‌وگو با سعید رزاقی در خصوص کتاب مصور حضرت زینب (ع) که به‌زودی منتشر می‌شود

روایت حماسه پیام‌آور کربلا برای نوجوانان

نگاهی به تلاش‌های دیروز و امروز غربی‌ها برای جاسوسی و خرابکاری هسته‌ای در ایران

حمله یک تحفه به نطنز!



کارتون: شاهین کالنتزی / فارس

فشارها بر ایران چیست؟ چه اینکه آمریکایی‌ها در چند سال گذشته به هر بهانه‌ای، هر فشار سیاسی-اقتصادی را که خواسته و توانسته‌اند به ایران وارد کرده و معلوم نیست افزایش فشار، بیشتر از این هم وجود دارد یا خیر؟ البته قطعاً متوجه شده‌اید که طبق معمول توجیه‌گری و مظلوم‌نمایی این ادعای خانم سخنگو آن قدر زیاد است که دارد از بغل تویبتش می‌زند بیرون! مقام‌های کشورهای اروپایی و همچنین یکی دو مقام آمریکایی از دیگر محکوم‌کننده‌ها و اظهارنظرکنندگان درباره ماجرا بودند. پمپو هم لاید برای اینکه از ماجرا عقب نماند، اعلام کرد: «آمریکا تلاش زشت ایران برای ترساندن آژانس را محکوم و همچنین از فعالیت‌های آژانس در ایران حمایت می‌کند». الان جا دارد که با این سیل محکومیت و اظهارنظرهای کارشناسانه، پیش از اینکه به سوابق جاسوسی و خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای ایران بپردازیم، بادی کنیم از اظهار نظر خیلی کارشناسانه نتایج‌ها درباره سایت هسته‌ای «نورقوزآباد» و حاشیه‌هایش که تا مدت‌ها دستمایه شوخی و خنده ایرانی‌ها شده بود.

قضای حاجت مصلحتی

بازرسان آژانس، با هم و چند نفری برای ورود به سایت هسته‌ای آمده‌اند. اگرچه میهمان هستند و مثلاً مصونیت هم دارند اما دستگاه‌های امنیتی و کنترل‌کننده نه میهمان و میزبان را از هم تشخیص می‌دهند و نه مصونیت سرشان می‌شود. مواد و موارد مشکوک را اما خوب می‌شناسند. وقتی نوبت به خانم بازرس و کیف به دست می‌رسد، صدای هشدار دستگاه بلند می‌شود! مسئولان امنیتی به حرمت میهمان و بازرس بودن، دوباره کنترل می‌کنند، اما دستگاه‌ها باز هم با دیدن خانم بازرس جیغ می‌کشند. این در حالی است که بازرسان دیگر از گیت عبور کرده و صدای هیچ هشدار بلند نشده است. خلاصه خانم بازرس به دستشویی نیاز پیدا می‌کند و پس از قضای حاجت مصلحتی، دستگاه‌ها دیگر هشدار نمی‌دهند! با وجود این، از ورود بازرس به سایت جلوگیری شده و ایشان برای تحقیقات بیشتر به جایی که لازم است اعزام می‌شود.

کاظم غریب آبادی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان‌های بین‌المللی در این باره گفت: «آل‌رها سه بار و در سه مکان متفاوت به صدا در آمد و هشدار داده شد که این بازرس ممکن است مواد خطرناک همراه داشته باشد.

... حتی در آزمایش کیف دستی این خانم نیز، دستگاه‌ها هشدار مطلقاً ندادند... دستگاه‌ها هم در کنترل اولیه، هم در دستشویی و هم در مورد وسایل اتاق او هشدار مربوط به وجود مواد خطرناک داده‌اند و احیاناً این مواد هنگام رفتن به دستشویی دفع شده است.»

همه به جز آمریکا و رژیم صهیونیستی

بقیه ماجرا هم روشن است. خانم بازرس خواهان بازگشت به کشورش می‌شود و مسئولان مربوطه هم پس از تکمیل روند تحقیقات، همه چیز را صورتجلسه کرده، هم خانم بازرس و هم مدارک و مستندات را به آژانس و جاهای دیگری که باید، ارسال می‌کنند. اولین کسی که پس از این ماجرا به خبرنگاران درباره سوابق جاسوسی و خرابکاری هسته‌ای گفت «پهروز

کمالوندی « سخنگوی سازمان انرژی هسته‌ای بود: «در چند روز اخیر اتفاقاتی در مورد یک بازرس رخ داد که مجبور شدیم او را به نطنز راه ندهیم و اعتبارنامه وی را لغو کنیم... فکر می‌کنیم همه به غیر از آمریکا و رژیم صهیونیستی و چند کشور دیگر از دلایل ما قانع شدند... گفته‌ایم اگر لازم شد مدارک و حتی فیلم آن را ارائه خواهیم داد. اقدام ما براساس پدمان بوده است. ما تجربیات تلخی به خاطر خرابکاری هسته‌ای داریم که موجب شده سیستم کنترلی سفت و سختی داشته باشیم و اجازه تکرار آن را نخواهیم داد».

منظور کمالوندی در واقع مسأردی مانند این خبر است که سال ۱۳۹۲ توسط معاون وقت سازمان انرژی اتمی ایران - علی اصغر زارغان - اعلام شد: «با رصد هوشمندانه‌ای که روی تجهیزات هسته‌ای صورت گرفت، متوجه شدیم در شماری از پمپ‌های مدار دوم پروژه راکتور آب سنگین IR۴۰ اراک به صورت مکانیکی چندی عملیات اجرا شده بود تا به این طریق بتوانند در فرایند کار نیروگاه اختلال ایجاد کنند، اما پیش از اینکه این تجهیزات استفاده شود، شناسایی و به لطف الهی این اقدام خنثی شد...».

فوق محرمانه

سال ۱۳۹۳ هم که این تیتز و خبر منتشر شد: انتشار سند فوق محرمانه اسنودن درباره ایران... ادوارد اسنودن یک سند فوق محرمانه منتشر کرده که از جاسوسی مشترک رژیم صهیونیستی، آمریکا و انگلیس از مقامات ارشد ایران حکایت دارد. بر اساس مفاد سند، ایران از قربانیان حملات سایبری علیه شرکت‌های نفتی‌اش در سال ۲۰۱۲ بوده است... بر اساس این سند، جاسوسی از مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ برای حمایت از تصمیم‌گیران سیاسی نیز به عنوان یکی از طرح‌های مشترک و موفق آمریکا و انگلیس عنوان شده است.

مورد بعدی را می‌شود خبر مهم «سرانیل به جاسوسانی که اسناد هسته‌ای ایران را منتقل کرده بودند جایزه می‌دهد» دانست. یوسبی کوهن، رئیس موساد هم در یک سخنرانی که روزنامه «جزرومل پست» آن را کم‌سابقه توصیف کرد، گفت: «در قیلم‌های جیمز باند یک نفر دنیا را نجات می‌دهد. در دنیای واقعی بسیاری از عواملان موساد، کارشناسان فنی، مهندسان، متخصصان سایبری و عملیاتی همکاری کردند تا ثابت کنند ایران همچنان به دنبال سلاح هسته‌ای است. کوهن مدعی شده بود عملیات اطلاعاتی علیه ایران نگاه جهان را به ایران و دعوی‌های هسته‌ای تغییر داد».

اشاره رئیس موساد به عملیاتی جاسوسی بود که در آن رژیم صهیونیستی مدعی شد بخشی از اسناد و اطلاعات محرمانه ازشیوی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را از منطقه‌ای در حومه تهران ربوده و از ایران خارج کرده‌اند.

مشهورترین حمله و خرابکاری هسته‌ای غرب علیه ایران هم که ماجرای معروف و تکراری و بیروس «ساتکس نت» است. یعنی کشورهایی که امروز درباره خرابکاری اخیر خانم بازرس سروصدا به راه انداخته و ایران را متهم می‌کنند برای ترساندن مأموران آژانس تلاش کرده است، آیا همه این اقدام‌ها و جاسوسی‌ها را فراموش کرده‌اند؟ آن‌ها اصلاً به خاطر ندارند که همین چند ماه پیش رسانه‌ها و خبرگزاری‌های خودشان تیتز زدند: «همکاری انگلیس، فرانسه و آلمان در خرابکاری علیه برنامه هسته‌ای ایران»!

مجازآباد

دو لبه قیچی تفرقه



همزمان با دوازدهم ربیع‌الاول و آغاز هفته وحدت، کاربران فضای مجازی هشتک #هفته_وحدت را در توییتز داغ کردند. در ادامه چند نمونه از توییت‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «وحدت شیعه و سنی همان کابوس استکبار و تروریسم است... با تدبیر تاریخی امام(ره) در نام‌گذاری هفته وحدت، شاهد این هستیم که رسانه‌های شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی به عنوان دو لبه قیچی تفرقه تا حد زیادی ناکام مانده و پیوند شیعه و سنی روز به روز مستحکم‌تر می‌شود».

از خوابی وطن فروش!



«امیرعباس فخرآور» چند روز پیش به عنوان کارشناس سیاسی در شبکه «من و تو» حضور پیدا کرد و در بخشی از صحبت‌هایش گفت: ۱۵۰ سال وقت گذاشتیم تا پرونده تحریم نفت ایران وارد گنجره آمریکا و در سال ۲۰۱۲ تصویب شده عمده فعالیت‌های ما محدود کردن درآمد‌های ارزی ایران است». پس از انتشار صحبت‌های فخرآور در فضای مجازی کاربران حساسی از خجالت این ایوژی‌سین خارج‌نشین درآمنند. یکی از کاربران در این‌باره نوشته است: «معرفی می‌کنم: امیرعباس فخرآور از خوابی وطن فروش که می‌که آمریکا خونه دوممه. یعنی ۱۵ سال تو خونه دوشم وقت گذاشته که ببینه چجوری خونه اولشو روی سر مردهش خراب کنه».

بدون هیچ چشمداشتی



کاربران فضای مجازی پس از قهرمانی تیم ملی فوتبال ساحلی کشورمان در مسابقات بین قاره‌ای، با انتشار هشتک #فوتبال_ساحلی از بازیکنان و عوامل تیم تشکر کردند. در ادامه چند نمونه از توییت‌های منتشر شده در این زمینه را می‌خوانید: «میلیارد میلیارد خرج فوتبال می‌کنن بدون اینکه نتیجه‌ای ازش بگیریم آیا بچه‌های فوتبال ساحلی بدون هیچ چشمداشتی می‌رن قهرمان جیم بین قاره‌ای می‌شن... این به بعد هر کی گفت بدون سرمربی خارجی به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم، عکس قهرمانی تیم فوتبال ساحلی رو بزنید توی صورتش».

قصه عاشقی



نجم الدین شریعتی با انتشار پوستر فیلم «رد خون» در اینستاگرامش نوشت: «ماجرای نیمروز، قصه عاشقی است. عشق به وطن! عشق به ایمان و عقیده! تقابل ظلمت است و نور، سیاهی و سپیدی، رد خون تاریخ این سرزمین است که محمد حسین مهدویان هنرمندانه برای ما روایت می‌کند. روایتی پر از رحمت و سخت که نه تنها روزهای ملتپب آن سال‌ها را به تصویر می‌کشد بلکه با طرافت نگاهی هم به تشمت اندیشه‌ها و جریان‌های فکری نیروهای انقلاب و ضد انقلاب دارد. علاوه بر آنچه گذشت، بازی خوب بازیگران فیلم، بازسازی صحنه‌های جنگ در کنار پایان‌بندی عمیق و هوشمندانه آن موجب شد این سطور نگاشته شود».



ورزش

رفیعی و باقری در قعر سایت متریکا قرار دارند

هشدار یحیی به ستاره‌های کاغذی شهر خودرو

«اینفانتینو» خود عامل دخالت سیاست در فوتبال است

یک بام و دو هوا در فیفا!



دردسر پرسپولیس دو تا شد

بلغارها هم «جونپور» را پس نمی‌گیرند

